

کوشش نامشکی

روزنامه بیچ دست حزب و جنبش پیشگی تهرانه

روزهای دوشنبه منتشر میشود.

انتخابات کردستان

در این مدت که محبت انتخابات در میان بوده و برای شروع به اغلب نقاط کشور دستورالعمل صادر گردیده با وجود اینکه ظاهر اشکالی در اجرای قانون انتخابات در کردستان بنظر نرسید دستوری مبنی بر شروع با اتمام ابلاغ نگردیده است ولی با معلوم شدن جریان انتخابات طبرستان و حاصل شدن تغییر باره در آن، باید انتظار داشت که در آئینده بسیار نزدیکتر برای نقاط دیگر کشور و از آن جمله کردستان دستور شروع انتخابات صادر گردد.

در این موقتی که میتوان گفت در آستانه شروع انتخابات در کردستان می باشیم خوب است نظر اجمالی با وضع آن سامان از نظر انتخاباتی بیان کنیم. در شهرستان سنندج اگر چه در اوایل که محبت از شروع انتخابات بود اساسی چندی برای کانه بدهای نداشتگی از گوشه و کنار بگوش بر رسید ولی با مرور ایام چند نفر از این خیال عرض نظر نموده و خلاصه چار تفکرش مرد میدان هستند در صورتیکه منتهج دارای سه گرسی نماندگی است.

اما جریان انتخابات در این شهرستان احتیاجی نیست که دولت مداخله عینی بنماید و مامورینی را برای احصال نفوذ اجرام دارد نامهای مردم بگفته شود و بگویند آزادی انتخابات از مصلحت هده است بلکه اظهار در ستانهای گانای است تا انتخابات در محیط آرام و بی سرو صدای و مطابق نشر دولت انجام گیرد حال این معنی چهار بر سه چگونه حل شود رومه کرسی نمیب کداده نفر بشود و سر کدانبه بدون کلاه باشد آفراتنا چند روز دیگر خواهیم نمید.

در سقز اگر چه هنوز انتخاباتی شروع نشده ولی تا حال کرسی نماندگی چند دست گفته و آخرین کسی که هاشن توفیق داشته محمد آنا جاسی بود ولی بقراری که شنیده میشود در این چند روزه اخیر تغییراتی در تصمیم داده شده آظوریکه میگویند ولی هنوز رسا برای ما نماند شده گویا آقای

مظفر السلطنه فرماندار آیتسا از شغل دولتی خود منتهی شده و اگر این غیر صلیت داشته باشد ضمناً استفا از فرمانداری بنظور دست یافتن به کرسی نماندگی است.

جریان انتخابات مغربخیلی هادی است چند نفر در شهر میگردند و به متفکین و دارندگان رای ابلاغ مینمایند که باید آفای فلان انتخاب شود و در مقابل این دستور هم مقامی از کسی مشاهده نمی شود. بنا بر این انتخابات سقز هم بی سر و صدا و مطابق آمال مردم انجام

پیام ستاد ارتش

برای ساکنین غرب جنبه حیاتی دارند

خود که کوچکترین عمل خلاف رویه و رفتار ناپسندیده انسداد ارتش را در اولین نرسه سلبی به وزارت جنگ با ستاد ارتش اطلاع دهند.

مختصری که از پیام ستاد ارتش استخراج و فوقاً نقل شده حاکم نکات و یاد آوری های فون النامه مهمی است که اساس و حده ملی مازاتشکیل میدهد اگر هر یک از افراد به وظائف خود آشنا بوده و بخواهند از مقررات قانونی تجاوز نمانند و اگر مردم وانحاس همکاری و دلسوزی داشته باشند و اگر سرویس های مخصوص وزارت جنگ و ستاد ارتش مطابق مدلول پیام فوق جدا بر اجامات مردم نمانند ضمناً طریقی نخواهد کشید که سه نظام های گذشته مرتفع خواهد گردید این پیام شاید برای ساکنین تهران ساده بنظر برسد ولی اجرای آن در مناطقی که اهمیت نظامی دارد برای مردم جنبه حیاتی را سازات

ما سخن نقل قسمتی از این پیام خاطر هوطنان ساکن غرب و اچا به آن مطوف و اقتصایانه توصیه می نمایم که از این همکاری غفلت نشاید سکین است عده ای این پیام را بنفع خود بخواهند بی ارزش جلوه دهند ولی هوطنان ما باید توجه داشته باشند که اگر روزی امیدی برای اطمینان بردن خاطران گذشته باشد در این پیام و در اجرای آن باید جستجو نمود. اگر مایب گفته نشود اصلاح منتهور نیست و اگر همکاری و صمیمیت در میان نباشد بهبودی در اوضاع مشاهده نخواهد شد پس بنا بر این لازم است دو قبال این پیام هر کس وظیفه وجدانی خود را انجام دهد

حلقه گفته ستاد ارتش پیامی به نیروهای آذربایجان و کردستان ترشحاد که در آن پس از تقدیر از همنیات آنان نکات اساسی و بسیار مؤثری را تذکر داده و در مقابل این پرسش که ما میبینیم و هاشن شاه محبوب از ما چه انتظار دارند می گوید:

انتظار اینکه با رعایت دقیق خصائص و مسائل سربازی خود با مهربانی و ملاطفت سختی ها و مشکلات اهالی را مرتفع سازید به تقاضا و درخواست های مردم در نهایت وجدان و کمال بی طرفی به اسرع وقت ترتیب اثر و پاسخ کامل بدهید و ثابت نمائید که شب روز شاد و قشنگ ملت و کشور است راحت شما رفیع تر و ملال از همسپهان میباشد ثابت نمائید که شما زحمت و مشقت را برای رفاه و آسایش خواهران و برادران خود متحمل میشوید و در عوض فقط و فقط با نفعات کسوت مقدس سربازی و نام قابل بر سرش ملطوفی قانع نمیشاید.

باید کردار نیک و کفایت بنهیدید شما طوری باشد که معلوم کرده استقیال هایشان و احساسات خارق العاده مردم میهن پرست بپیوندد پیوندد است خاصه پیشا توصیه نموده که در دوستکاری و راستگرداری مرمتن و نونه باشید و با بیرونی ایمان و حسن نیت مقام هاشخ خود را در قلوب برادران خود نقش نمائید و اکنون که بار دیگر سرب توت رسیده که ملت ایران پشتیبان ارتش خود می باشد شما یوز نشان بدهید که ارتش برای ملت و از ملت است.

در پایان این پیام ستاد ارتش میگوید: «از هم میپشان گرامی تقاضا می

پلم آقای جلال طاهری

به اهالی محترم گروس

دقیقه ای از فکر هم ولایتی های خود فانی بوده و هیچوقت مصائب و مشغی های مادی و معنوی آنان را که ملود وجود و کلای ما صالح و ناشناس و غیر محلی بوده است از باه ببرد ام در وقتی که من با استکای پیشینانی و طرفداری شما در جرایم مهم مرگزی و بنگارش و تفریح اوضاع آن سامان دست زدم مثل اغلب از مسردم بست و درن همت این منظور رانهاشتم که برای خود تحصیل حاصل کرده و کنار بروم از بان بیلدم و تلم از تحریر و امانت بر داوم بقیه در صفحه ۸

تا امروز من چندین ده بار مقالات و مباحث طولانی بر نفع عمومی شما در جرایم کثیرا لا انتشار کرده ام که ملود و هاشن هوطنان را از محرومیت و مظلومیت شما با خبر ساختم. سویشهادت شدارنه و وجدان پاک خود در میان اینهمه مبارزه دامنه دارم همین منظوری جز احیای اصل قومیت و استقرار سعادت و سلامت شما و اولاد شما نداشته و ندارم. من در طول مدتی که در میان جنابعالی روشن و آزادی طلب و میبینم پرسه افشار هم آهنگی داشته و دارم

تفسیر سیاست هفته

وینا و ایران در بنفشه گذشته

کشور گهسال چین و هنگامه جنگ جهانی سوم

با تشریح مقاصد و حرب کومین تانگ و گویست و مخالفت ها و تلاش های این دو حزب ، کوشش و تقلا میون بین برای بنیاد یک چین نوین ، آشکارا در میان نیاده همد ، ترسیم و تجسیم وضع کنونی بین و وجود مبارزات خدهی که در طول تاریخ و سیاست اجتهای چین و این گوشه دورانتاوه پهل کانی و فراوان دیده نمیشود نهای کوچک ازلعلت ممانندگی این کشور کپشال بود .

حکومت اجتهای چین در حال حاضر که بالا ترین نمودار تغییرات کفیی و کسی پله آهسته نزدیک است ، یک چین لغنی و آزاد را که در حال انتقال از دنیای کهن پادشاه مومکراسی و آزادی است بصورت شوخیانتهی مجسمی نموده ناموزونی و هرچ و مرج روزافزونی ایدئولوژیکی و سیاسی و خصوصیات لشکرکی بین و حوزب یاد شده است ششس یک کیفیت اجتهای بود که دو این شاهراه سیاسی هر ش اندام میکروه قضایایی که علی الظاهر ششس نرسم اجتهای - اقتصادی - سیاسی کشور کهن سال چین بود شن نوشته هسای شوردهفته پیش بفرمانده گان بر هر چه گردید و اکنون رفته های باریکی که سراجام نالوس مرک سیاست های زور و در را در بین جدا درخواسته آورد و آهسته چین و بلیه نشانه های موجود بین احزاب سیاسی چین را آغاز خواهیم نمود .

تاریخیه و ملل پیدایش دو حزب کومین تانگ و گویست چین و افکار سیاسی مستمل این دو حزب و انوشتم و توفتم دو حزب فون که از مهم ترین احزاب سیاسی چین هستند سوزده تاریخیه سیاسی آنان را از بدی پیدایش تاکنون منازعات و لیرد های داخلی تشکیل داده است ، استقرار سیاست امریکا و ریشه کن نمودن جبری دینلماسی سرتیانیای لیر نکته روشنی بود که جداگانه و در این جهت تظاهر میکرد . قسبل از حله آخری زاین بر چین این دو حزب هر یک با نگاهداری ثروتی عظیم ، حرب امنیتی برای خود تشکیل داده بود (بان) دو سال پایتخت دولت گویست و نالکن در جنوب پایتخت دولت (کومین تانگها) بود تا ظهور جنگ و این یمنی در ۷ ژوئیه ۱۹۳۷ ، آثار لیرد های جانسوز داخلی در داخله چین تظاهر مینمایید .

این جنگهای ده ساله تحول بزرگی در چین بوجود آورد ، حزمی که جمهر بشوریهها جاندها اجتهای بود و از این طریق شرایط را برای ایجاد یک چین نوین فراهم میآورد از یکطرف و حزمی که با روشی بورژوا متناقضه پهرین وسیله برای تامین ثلوث هنگایی و بنگانه عامل بسط و تسلط سرمایه های

عازمی است از طرف دیگر دو منته سیاسی جهان بوجود آورد ، در طول سالهایی که تمام ملت چین مشغول جنگ داخلی نیز بین دو حزب مزبور باهدنی عصبی جریان داشت ، جنگ چین و ژاپون پس از پنج سال و نیم بیابان رسید و جبرا ملیون جوان چینی از میان توده های کثیر چین محو و منسوخ گردیدند جنگ با ژاپون دو تابستان سال ۱۹۴۵ با دلسوز ترین وجهی بیابان رسید ولی تصایغ غیر خواهانه پیشروان احزاب مؤثر واقع نگردید و پس از یک آرایش موتتی مجددا جنگ داخلی بیهان صورت اولیه بروز نمود و بهشت چین را بچشم مبدل نمود .

جنگ بیابان رسید و لیروی ژاپون تسلیم گرده بود ولی لیروهای صلح احزاب در وجهی های مخالفت هم فرار گرفته حزب کومین تانگ که در طی روزهای منته بار جنگ موفقیت ملی خود را از دست داده بود اینک که دوران صلح آغاز میشد جهت کسب مجده موفقیت های از دست رفته با کمک دول خارجی بکوشش های دامنه داری دست مزده و در نفع جدید سعی میکرد که از کتبه لیرو های دول امبرالیسم استفاده نماید کویست ها که از ثروت و حکومت کومین تانگهای هر است و هر چه بود یک « چین آناه » هستند . با لیروی اجتهای هکرف خود بدافله برداخت و لیره مقابل و آغاز نموده امرا گزینینتی این دو حزب هر یک با توانایی منحصوی و وظیفه حزبی خویش را انجام میدهند و هر دو ادعا میکنند که ما بر علیه ثلوث دول خارجی و برای رفاهی و اتحاد ملت چین مبارزه میکنیم ولی واقعی و درستی این گفته هاراملت هوغبار بین که خود خاضع صدق گفتار این سازمان هسا بوده است یعنی درک میکنند و دست مظلوت بر چهره دوستان خلقی خود میکشند .

دو حزب کویست و کومین تانگ پیش از جنگ جهانی اخیر با توانایی عجیبی با یکدیگر نرد می نمودند ، هنگام جنگ بر علیه یکدیگر میکردند و امروز لیر که هر چه سیاست جهان میدان حلات دول محور نیست باز بیهان هم انشاده اند . در چین طمع امبرالیسم به این اختلاعات دامن میزدند و از سازش و هم آهنگی این دو حزب مرده است و بهترین نودار آرا در هفده بنه بطور مستقل خواهیم نوشت .

تهران در هفته پیش

انتخابات تهران بیابان رسید ، آغازی و کتر مصدق و برنی از رجال خوشنام و منتقد تهران پس از چند روز تحسن و هوار شاه را ترک کنند ، این سیاسی تهران هنوز میهم است ، آغاز و انجام منته ای مانده انتخابات ، با وجود آن همه تشنجات داخلی بهر خاطر سیاسی

عرب نشان داد نفرت های جدیدی بر منته سیاست کشور حکمروانی میکنند اشرافان دامنه داری که شاید اگر خوب رهبری میقدمنتج بنیچه میکردید ثابت نموده که بهر قیستی است باید معیض مناسبی برای فعالیت های پسندی دولت ایجاد کرده ، واقشبات سرسخت آهسته حقایق دیگری را در برابر مسخاوهنته کشود .

آیا انتخابات و انتخا بارلسان آرام اقتصادی واجتهای سرمد زحمت کش ایران را میتوانه خود بخود تحت اشباع قرار دهمه ، مسیر و چرخ زمانه را بطرف دیگری بکشاند و خامن پاینداری دائم دولت باشد ؟

تمام نقاط استنباهی است که جدا جدا جواب آرا خواهیم شنید ، حکم تاریخ لایتنیتر است ، نتایج انتخابات در عرض این هفته معلوم خواهد شد ، جناب آقای نخست وزیر و روز بنیچه هفت پیش با وزیر در فرمانداری تهران حاشاشرو مانته اسرادی ساده آراه شود و ادر مدون های انتخاباتی بر رشته نتیجه انتخابات را از هم اکنون میتوان با جزئی اختلاف پیش بینی کرد .

نمایشی از تحولات سیاسی جهان

کفرالس معاوین چهار وزیر خارجه

معاونین وزرا امور خارجه برای تهیه طرحهای لازم بیناهای صلح با آنان واتریش که مهمترین کار کفرالس مسکو است در هفت پیش مشغول کار بودند معاونین وزرا امر خارجه یاد هفتالی از هونل گوشه که در جنگ بر علیه آلمان هر کت داده اند در مسافت خود مانده ، رفیق کوسف معاون وزارت امور خارجه شوروی با طرح این پیشنهادات در اجمن معاونین وزرا امر خارجه مخالفت بوده و مستند است که طبق دستورات ساده سیاستی اول همدانامه صلح با آلمان و اتریش مورد مطالعه قرار گیرد .

کنفرانس مسکو در ماه مارس آغاز خواهد شد ، این کنفرانس که پس از کنفرانس اخیر لیبورگه حسائر اهمیت شگرفی است ، معاونین وزرا امر خارجه منته اروپا و آلمان را بر سرین می نمایند در این زمینه بهیی است با اهکالاتی مواجه خواهند شد ، با آزمایش های تلخ و فراوانی که ملل جهان از آلمان و اروپا دارنده بی شک کنفرانس مسکو و قتاف و شوروی را بر هیده دارد ، آلمان در طول تاریخ سیاسی خود چندین مرتبه موجب هرچ و مرج جهان بوده است آلمان هنوز قبیله نیک نایر به عظیم منشی است ، دول دموکراسی غرب در گذشته برای حفظ منافع جهانی خود همیشه از دراصل استفاده می کردند و جنگهای عظیمی را دامن می زدند ، با اظهارات بسیار فریبنده و بیناهایی که خامن اجرایی می توانند داشت باشند منس ملیت و مهابت ملت آلمان را منی تمیز داد ،

در پاره جنگهای گذشته و ملل سیاسی و موجبات پیدایش آن باید مطالعه

کره و بر مبتیای صحیح و مطبش که با جریان خلقی تکامل سیاسی اجتهای تقاضی و مفاربت نداشته باشد بیابانهای که نامی ملل جهان را بشقیب راه دموکراسی معیوبر کنه باید همت نمود ، آلمان در سازمان جهان آینده اگر صحیح فعالیت کند بشقیق وزنه سنگینی برای تامین آزادی و دموکراسی خواهد بود .

رئیس جمهر جمهوری

چهارم فرانسه

انتخاب رئیس جمهر جمهوری چهارم فرانسه در هفت پیش یکی از سالیی بود که توجه همه را بخود جلب کرده بود ، لیردهای سیاسی اوج شدت خود رسیده بود جنب و جوش ملت فرانسه هنگام انتخابات مجلس ملی بیسابقه بود ولی هنگامی که سه من از انتخاب رئیس جمهر پیش آمد فعالیت بیسابقه ظهور کرد فعالیت احزاب سیاسی که مایلن انتخاب رئیس جمهری هستند و تلاش و سیاست اندازی که از گوشه و کنار در انزوا ماجلوجا گر میتونه و میخوانند و در اس اجتهای قرار گیرند و انفا لغته آور بود است طرند از ان ژنرال دوگل که بسظنور لثوق بر احزاب سیاسی در چار شکست گردیدند برای موفقیت ادر انتخابات صحت تاریخی این ژنرال کهنه کار و میهم هوست را یاد نموده و تکرار میکنده کویست هاونسان اوربول و ا کانه بنه نموده هدی جرات انتخاب کانه بدی خود نداشته لژون بلوم که اکنون از نقش و هیری حزب سوسیالیست در فرانسه و اروپا سخن میکوه و روزنامه پوپلرسمی میکردند که احزاب دیگر را زیر سر پرستی خود گرفته و کانه بدی خود را بر کسر می ریاسه جمهر بنوشانند ، فرانسه در این اواخر خیلی از ایام با لوبایی سیاسی دیده است املت فرانسه بخوبی با این همه آشنا هستند توجه ما در اینجا معطوف لکنه دیگری است ما میخوانیم به بنیم چطور هت سیورسوان اوربول و مسبورآ ماده که بدون شک در دوره حکومت خود هر دو لوبی هلا و محافظ لثون بطور ا منسکی می کنند و سازمان آینده فرانسه را مجسم خواهند نمود انتخاب گردیدند بهر تقدیر فرانسه وزنه سنگینی در که تراوی سیاست جهان آینه خود خواهد بود

و با انتخاب ونسان اوربول هر صدهای بزرگی در کشورهای مختلف بر باخده است فرانسه امروز این سرلوشنهار استقبال میکنند باید دید آیا در آینده از نظر تفکر دموکراسیک و آزاده الهام خواهند گرفت یا خیر ؟

هفته اعتصاب

تعلیل روزنامه های فرانسه و اعتصاب کارگران چاپخانه ها و اعتصاب کارگران حمل و نقل در انگلستان از انضای تاریخ سیاسی هفت پیش بود اعتصاب کارگران چاپخانه ها با پایان رسید و در ان سر بازان با سر دوله بجای اعتصابیون مشغول کار گردیدند .

فنادی که کارگران در لیبول نشانای های حقه خود بیکار بردند از نطقه نظر اهمیت و تا کنیکه مسبان و واحد آنان قابل اهمیت بود .

انتخابات فرانسه

مخالفت همدید (از لیبولا نیچه) رئیس بقیه در صفحه ۷

صفحه ۳
در
هفت دنه
سلح خود
زیاری
یرف
علی به چنگ
مطلق نمود
ندایشان
در
هولمی ۳۰
از این کشتند
روز ۲ سنا
با پشتیان
از لیری
غرب بنگ
ولیر انداز
سر گسوری
در آهسته
طب نشینی
۳ توپ که
۸ گلوله
وزعی ۵
صد آرا
حده
بارون و
سلح متعارف
با فرما هم
سلح در
بارون
دارد تا به
ادامه دهه
نقش
این همه
را در صل
هستند
و در آه
بکار لیر
از
نارمده
رسیدن تو
هسن را تر
بط
حوت جیده
رسید از
نوده تیر
را ادامه
ساخته بانها
نوده که
خود را به
خود و انبیا
و در شش
را ترک کرد
بر دستوری
ایر
لیری ملی
گرام نمود

اسرار بارزان (۱۳)

راجعه به انحلال شرکت پخش کالای انحصاری دخانیات گردستان

شب ۱۲ سپتامبر سیمه طر از افراد مسلح مشیرت صوری حمله دولتی را از محاصره نجات دادند و ملامصلی بهترین دید که بواسطه دیگری در گوه پیرس که یک ماهه و نیم از موضع جنگ دور بسود عقب نشینی نماید .

در حرس پنج روز یعنی روز ۸ سپتامبر و روز محاصره و روز آخر جمعا هفت دنه معاصره با نشون دولتی در گرفت بود. روسای هشابری که با افراد مسلح خود به کتک توای دولتی آمده بودند عبارت بودند از : احمد بیگ زیاری - شوکت زیاری - مجید حسن آقا - میداد هرفانی - شیخ جلال برف کانی - و در نتیجه این سیاست که روسای هشابری کرده را بر علیه فوای علی به جنگ در آورده بودند محصور زیاری هم که خود را به توای ملامصلی ملحق نموده بود از نیروی ملی جدا شده بطرف دولتیان رفت و ملامصلی را بسا ندانیش تنها گذاشت.

مجموع کتک و زخمی پس از این سلسله محاربات برآز ذیل بود از نشون دولتی ۳۸۰ کتک و ۵۰۰ زخمی و از نیروی ملی هم طر کتک و چهار زخمی یکی از این کتک همدگان فرمانده جبهه راست بود و ۷۲ زواری بود .

جنگ هوه و دیان و مزله (جبهه خاور)
روز ۲ سپتامبر ۱۹۴۵ جنگ ۴ از طرف راست و جنگ ۲ از طرف چپ از با پشتیبان بسوی موه ترش خود را آغاز نموده . در این موضع نشینی از نیروی ملی که در اشکله هوه دیان خود را پنهان کرده بودند و از مزله قریب بگساست راه بود شش مر دو جنگ را گرفته و با وجود بیابان هوایسا و تیر اندازی شدید توپخانه حمله نشینی نموده . فرمانده جبهه محمه آنا مرگ سوری با همه بچگانه نری خود چنان جلب تفرقه حمله نمود که طرین بهم در آهسته و در نتیجه تیر اندازی زره پوش های دولتی بود که این عده مختصر طب نشینی موتنی نموده ولی حلات پهنی نشون را بشکست کشاید ۳ توپ کوهستانی - ۳ مسلسل سیک (نوع برن) - بیست صندوق فشنگ - ۴۸ گلوله توپ بنشینت نیروی ملی دو آمده تعداد کتک گان نشون دولتی سیمه و زخمی ۵۰۰ طر از نیروی ملی دو نفر زخمی همه بوده تهرانان این نبرد مصداقا مرگ سوری و نور و شیروانی بود .

جنگ هرن « جبهه غرب »

هشابر یاه پنهان و زیاری در ده هرن که سه ساعت از محاصره منطقه بارزان راه است فرار داشتند.

در نفر اسر دولت عراق و هشت نفر از هشابر فرماندهی پاسد طر مسلح هشابری راه پهنه گرگت بوده و بوسیله یکدستکده بی صم ارتباط خود را با فرماندهی نشون دولتی برقرار ساخته بودند.

هرن در شش جبهه پیرس واقع هوه بود از این جهت وجود این توای مسلح در آنجا و هر حال مترواست جبهه پیرس را تهدید نماید زهم مصطلی بارزانی نشنه ای طرح نمود که این موضع تهدید کننده را از میان بر دارد تا به آسانی بقوله اهر جبهه پیرس عملیات مقاومتی و ترشی خود را ادامه دهد .

نشنه این بود که ملامصلی کوه پیرس را ترک کتک پاسی طر مسلح این عده را محاصره کند و شیخ سلیمان نیز سرگردگی ۲۸ نفر عده ملامصلی را در حقل محاصره تربیت نماید و در حینی که این قوا مشغول محاصره هرن هستند اسر عزت عبدالعزیز توپی را که در جنگ نیل به غنیمت گرفته هوه بود و در آه موضع در هرنه نصب گردیده بود با گمال دقت برای بیابان هرن بکار برد .

از آتیبانی که مسافت هرن تا هرن ۶ هزار یارد بود و تپرسی توپ نامبرده هم هفت هزار یارد از این جهت نقل و انتقالی لازم بود و بعض رسیدن قوای ملامصلی با طرف هرن تیر اندازی توپ بوسیله عزت عبدالعزیز دشن را شانگنیکر و متواری میساخت.

بطوریکه پیش بینی شده بود ملامصلی عده خود هرن و محاصره نموده هرن عبدالعزیز هم تیر اندازی آغاز نمود ولی تیر بر خلاف انتظار ۱۱ به هرن رسید از این جهت ملامصلی دستور داد که عزت عبدالعزیز توپ را نزدیکتر نموده تیر اندازی را ادامه دهد ولی هر قدر ملامصلی بانتظار حمل محاصره را ادامه میداد از تیر اندازی توپ شیری بود ناچار پس از اینکه مدت شش ساعه با نهایت هجاعت عده با صد نفری را محاصره کرده بود چون شیری در پات نموده که توای دولتی به پیرس حمله نموده ناچار محاصره را ترک کرده بسرعت خود را به گوه پیرس رسانید .

اما علت اینکه عزت عبدالعزیز نتوانست دستور را اجرا نموده وظیفه خود را انجام دهد گویا این بود که چون دستور یافت توپ را نزدیکتر نماید و در وضع تپیر داهن محل توپ غیر بی اساسی شنیده بود که ملامصلی محاصره را ترک کرده بدون توجه به دستور فرمانده کل این غیر بی اساس را مقوم بر دستور پهنه داشته توپ را برداشته و به محل اولیه خود معاودت کرده بود . این صل عزت عبدالعزیز یکی از بزرگترین طرتهای بود که بر یکسر نیروی ملی وارد آمده و تقریبا بیابان کتک اساس شکست را این خط با همه فراموش نمود .

جناب آقای دکتر اسمیل اردلان
مدیر نامه کوهستان

با تقدیم مراتب بندگی تصدیح می دهد بنام آزادی مطبوعات مسطه می است در جواب اظهار کتبه بدون امضا و شماره ۲۶ آن نامه راجع به انحلال شرکت پخش کالای انحصاری دخانیات گردستان که عقیده جمی بر آن است همه مساعدت اداره کل دخانیات باعث انحلال شرکت شده و عقیده شخصی نویسنده مقاله بر آن بوده که هیئت مدیره نتوانست است شرکت را اداره نماید ، چون نگارنده عضو هیئت مدیره بوده برای رفع شبهه لازم دانستم این مختصر را برض برسانم

با بودن پرونده موجوده که خود آن مدیر محترم خواهستستی از لنگرانات شرکت هستند به جناب اشرف آقای نصرت وزیر و وزیر دارائی چندین شکایت تلگرافی که روزی هفت آن بنام کوهستان داده ایم از عدم مساعدت اداره کل دخانیات مروض و حتی موتنی که بنده هر تهران بروم حضورا به آقای مدیر کل دخانیات با حضور عامل شرکت نامبرده جریان و وقوع کالای ناچان و آوردن کالای نامرغوب از تهران بوسیله اشخاص برض ایشان رسانیده ولی مع الوصف ترتیب اثری ندادند و بهترین دلیل بنده این است به مناسبت تحویل کالای نامرغوب به هر که مستند در طرف ده ساعه حرکت موفق به دریافت سببیه شد

جنگ کوه پیرس و عقب نشینی نیروی بارزانی

صبح ۲۵ سپتامبر ۱۹۴۵ زهم مصطلی بارزانی با عده ۶۰ نفری در وسطی بساعت با قصد باز دستگر بندی نموده خود را برای جنگ آماده کرد . دو این موضع کوه پیرس از هر طرف محاصره هوه بود و توای زباهی دست بجهل زده بودند در طرف چپ مشیرت صوری با سیمه طر مسلح بجهل برداشت ملامصلی زازوکی را وادار به عقب نشینی کردند . جنگ لیا در حمایت بیابان هفت توپ و پنج طیاره از جنوب بکوه پیرس حمله نمود . از طرف راست مشیرت برواری ویراشی و هرفانی و دو سکی با پاسد طر مسلح برض بردند از پشت سر هم مشیرت زیاری با چهار سده طر بجهل برداشت .

با این کیفیت جنگ تا غروب آن روز ادامه داشت زهم مصطلی بارزانی و طراتش با استفاده از تار یکس شب از رودخانه مزین گذشته خود را به هرنه رسانیده . در اینجا خط دفاعی تشکیل یافت و به شیخ احمد خیر داده هوه که برای درمان گذاردن مشیرت بروزی از خطر حله هوایسا و تیر اندازی توپ باید فوراً کلیه دهات را تخلیه نموده به پشت کوه هیرین و منطقه مشیرت شیروانی بروند . این تعاقب در همان شب انجام یافت .

شب ۳۰ سپتامبر اسر سید هوزیر سید عبدالله اطلاع داد که بهرامر سید مسلح و عده ای مسلح در گانی رش (سرحد ایران و عراق) آماده اجرای دستورات فرماندهی کل میساخته در جواب زهم مصطلی بارزانی دستور داد که از راه کانی رش - کله هین و ایران دفاع نماید .

روز ۶ اکتبر ۱۹۴۵ در حالیکه نیرو های مسلح در چهار جبهه مشغول دفاع بودند تمام ایل بارزان ، با کلیه اتانیه و انعام ، پانامی افراد طر مسلح وزن و مرد و بیرو جوان به کانی رش رسیدند و در آنجا زهم مصطلی بارزانی با دوستی طر مسلح موخره مهاجرین را از حجلت دشن ممنون داشتند و در حینی که ایل بطرف ابراه بحر کتک ادامه میداد بکلیه جبهه ها دستور داد که بطرف کله هین عقب نشینی نمایند روز ۱۱ اکتبر ۱۹۴۵ کله هین که آخرین نقطه سرحدی ایران و عراق است از طرف ایل بارزان ترک شد و در حالیکه آخرین سبب نیروی عراق سیل مهاجرین را برونه نمود ایل بارزان به ایران داخل گردید .

پایان

چاپخانه مظاهری

بمخ - آرزاه
از سفر

اینجا سقز است

امروز چند روزی است لوغای انتظامی و فمالیه های سوی و بهیه لنگرهای دسه جی و غیره باوش بر سابقه در این جا شروع شده است. مردمان کاسبو پیشاور و آسایش طلب اینجا بصلاف گذشته برای اینکه سری توی سر ها داشته باشند و یا ترانده در هیبای دوازده استان برای واده آ نامصلطی در اطراف سیاست و روضه ای بکنند هر سه جهات همه در یک بنوی و هر چه از طریق سی میکنند با دشمن و مقامات ذی نفوذ رابطه پیدا نمایند.

کسانیک بقول آقای مطیع الهوله سبازی مدار خفغان از نوزده ساله اشان بهاور می گند با یکی هوفر از هسکار های خودشان دوزیر گرسی دکان لم داده و ارجع به کادیه های و کالت و ترجیح یکی از آنها برد گیری و ورود بلارس اهل باقی و فعالیت حزب دموکرات ایران در سقز و غیره صحبت می کنند و عقاید خود را بر یکدیگر تحویل مینمایند.

هندهای دیگر که هنوز با نشان پا گفتم کلمه حزب آشنائی پیدا نکرده و فقط حزب را فقط میخوانند و ارجع به بیاناتی که در یکی از مراکز محل اجتماع اصناف دموکرات شنیده ام حرف می زدند.

وستای دیگر که شاید سرهان بکلامشان بیازد و زاویه دیگری از کار و نرا در در جم جمع شده و ارجع به تلگرافی که برای ... امضا نموده اند از همه بگریزانی می کنند و چون موضوع تلگراف را نپسندیده اند همه با هم می گویند ارجع به (رک) بی رای بود

در حالی دیگر هم دهائی از جوانان که خود را منصفی از دیگران قریس تر میگیرند اجتماع نموده و مانند نسله ای که مشغول حل یکی از مسائل مشکل فلسفی با هفت مشغول مذاکره هستند و با برچین کردن بیاناتی و سر کات سرودست نشان میدهد که آنها هم بوی قوم و مذهب می دهند.

من که همیشه سعی می کنم بطرز تلگراف احساس خصوصا طبقه جوان که بزم خود میل دارند بر مقدمات توده حکمرمانی نمایند، بی پریم باور و بین باور چنین بیانی که مشرف بر سر مرکز اجتماع این آقایان بود و رفتن و آمده بطوری که آنها اصلا نپسندیدند مشغول گوش دادن به سخنانشان هم اینک آنچه را که در آن روز شنیده ام برای شما هم در این جا نقل میکنم:

الف - رفته سخن را بدست گرفته گفت آقایان بگذار از مادموت نکنند بگذار اداره امور حزب هانرا به پیران واگذار نمایند شاید در هر گامه نیم کاسه ای باشد که بیخواهند یک تلگراف جوان یا مثلا بکنند با سواد بحزبشان راه بدهند.

باید مایل نیستند ضویت اشخاصی را قبول کنند که اگر لازم هد از فکرشان استفاده نمایند شاید منظور آنها را فقط به قربان گفتن دهائی بیسواد بیچاره

بمخ : آقای علی امیر حاج سید جواد
در اطراف انتخابات

بیچار

آقای سید مرتضی روزنامه کوهستان از آنجا که من در اطراف و شمیت اجتماعی کردستان مخصوصا بیچاره ای اطلاعاتی هستم که بخود حق میدهم درباره قضایای سیاسی و اجتماعی آنها اظهار نظر نمایم، و هم چنین در اثر مطهرت با مطلبین کرد ، بخوبی از عقاید و آراء آنها نسبت به کردستان باخبر ، و تا اندازه ای میفهمم ، همین بی طرفی برای ابراز سخنانی بوده و ذهن اهالی مسترد کردستان را نسبت به حقیقت قضایا روشن نماید ، لذا خواهش نمودم برای رفع هر گونه شبهه و تردیدی ، درباره نقل و اشغال انتظامی اخیر در بیچار و کیفیت واقعی قضایا ، امر بدوچ این مختصر بفرمایند :

قدر مسلم این است که انتخابات بیچار نیز مانند کلبه فقط ایران دوست خوش خیر یاران غیر طبیعی میباشد که در درجه اول البته مایه تعجب نیست.

زیرا ، اسم انتخابات ، کالی است که هر کس و نا کسی را به طبع و کالت بیندازد . ولی فرقی که انتخابات بیچار با سایر نقاط ایران دارد این است که در سایر نقاط ، اگر مرد نالایق و غیر مستحق داعیه و کالت شهری را داشته باشد ، انلا خود باید در حدش اهل همان شهرستان و ساکن آنجا بوده اند ، ولی بدخشان در بیچار کسانی برای و کالت پول خرج مینمایند که اصلا نه ساکن بیچارند و نه اهل بیچار و آن کسانی نیز که با انتصاب این آقایان در مرکز مبارزه میکنند من بخوبی اطلاع دارم که نه خود کاندیدای و کالت و نه انوم و بستگان آنها فقط صرف اینکه سابقه چندین صد ساله فامیلی در بیچار داشته و شخصیت آنها در نرود اهالی بیچار بخوبی واضح و روشن است ، از حقوق هم شهریه ای خود دفاع می نمایند . آنها میگویند: فردی که هیچگونه بستگی با نژاد کرده ندارد ، و اصلا کترین علاقه ای در بیچار نداشته و سابقه ای نسبت به روحیات و احتیاجات مردم بیچاره بیچار که هر دوره گرفتار یک نفر خارجی میباشد ، ندارد ، نباید از بیچار وکیل شود . نباید بانگسای بیگانگان خود را تحصیل یک مشت مردم فقیر و بی پشت و پناه نماید . آقای پور پور که با صرف پول جسی را دور خود جمع نموده و در صدد و کالت از بیچار بر آمده است ، برای ما بنویسند که چه بستگی با کرد و چه خلفه ای نسبت به بیچار دارند . ایشان مرد تحصیل کرده و بفرش معال و سوز و لاین ، ولی آیا خود بیچار مردان با کلمات و شریف و با شهامت نداده که ایشان میخواهند مردم را از حق طبیعی خود محروم نمایند .

از اینکه ایشان چند نفر را وادار مینمایند ، که با پول ایشان ، تلگراف زورکی را چاپ و کلیشه نموده ، و در دیوار و خیابانهای طهران بچسباند آنها و بیچار تادر به جلب تحققت نخواهند بود :

ب - جواب داد نه عزیزم اگر بشنود جرات روزنامه ها استاد کنیم تا چاریم چون بناییم که هدف حزب دموکرات ایران اینها نیست پورو چون در نظریان حزب یکسان است و بسته بیچار که میدانیم از جوانان با سواد بهتر از پیران بیسواد استقبال میکند ما نظریه ها گفته شاید حزب سقز در ماهیت اسر فقط تابع حزب دموکرات ایران باشد و در صل با او متفاوت باشد ، همه با تعجب و تردید بهم نگاه کردند .

ج - یکی دیگر از اخبار کت و اضا حجب اوضاعی است مثلا یکی از افراد همین حزب بی از اینکه ، ۵۰۰ ریال حسن و استیسی داده و ترفه را گرفته بود که تنظیم نموده چون نپسندیده بود حزب بیچار گفته بود با بدست از سرمان بر دارید (حفظ) بنی چه شما میدام این ۵۰۰ تومان را هم مانند پولی که برای چراغ برق گرفتند میخوانند بدهند هر چه بخورد . فاداه شده موضوع صحبت را تشریح داده و مدتی صحبت های معمولی گذراندند . باز اهل کت راجع به انتخابات چه خبر دارید آنها کاندید عهد آقای عباسی محرز است ؟

ب - جواب داد ای بابا وکیل عهدن اومرز است چه رسد بنگاه بده هدش گفته شد بجه دلیل ؟ کت بدلیل اینکه اولویت نسبت یاق نظر لطف دارند نایا همه با هم همدا شده گفتند اصلا که اینطور است آپس ما هم تصمیم بگیریم یکی رای ندیم و متعاقب کتن این جمله همه یا خاستند که بروند متح نامچار چون ما من در آنجا را صلاح ندیدم براض بواش از آنجا دور شده و رفتیم .

بازورگالی حسینیان در همدان دلت بازورگانی آقای سید حسینیان مهابادی از تهران به همدان منتقل شده و در سرای حسین خانی افتتاح پانه و شروع بکار کرده است . آقای سید حسینیان که از بازورگان صحیح العمل کرد می باشد در همدان برای انجام هر گونه سفارشات و مراجعات بازورگانی و حق العمل کاری حاضری باخند .

از مراجعه با ایشان گفتن نو زید آ - ۵۸ - ۳ - ۱۰۰

از کرمانشاه
گمک بانوان

به ستم دیدگان آستارا

سرکار بانو کبری مدین و وزیر ای کرمانشاه خواه ای مبلغ ۴۸۵۰ ریال ارسال داشته اند که بوسیله روزنامه کوهستان به امین روزنامه نگاران تسلیم شود که بصرف گمک به بانوان و بیه های آسیب دیده آستارا برسانند این مبلغ در نتیجه اقدام غیر خواهانه سرکار بانو کبری مدین وزیر جمع آوری شده و ذیلا صورت اسامی بانوان مسترهای که در این اقدام نوع پرورانه شرکت فرموده اند با جملتی که آمده داشته اند چاپ مینمایم

- ۱ - بانوشریه اردلان ۵۰۰۰ ریال
- ۲ - بانوشریه و زاده ۳۰۰۰ ریال
- ۳ - بانوشریه اردلان ۵۰۰۰ ریال
- ۴ - بانوشریه آفاق اسفندیاری - ۱۰۰۰ ریال

- ۵ - بانوشریه مقدم - ۱۰۰۰ ریال
- ۶ - بانوشریه خلیلی - ۵۰۰۰ ریال
- ۷ - بانوشریه مقدم - ۱۰۰۰ ریال
- ۸ - بانو ملکه اردلان ۱۰۰۰ ریال
- ۹ - بانوشریه شاهنده ۵۰۰۰ ریال
- ۱۰ - بانوشریه آصف و وزیر - ۳۰۰۰ ریال

- ۱۱ - بانوشریه مرتضوی ۲۰۰۰ ریال
- ۱۲ - بانوشریه الملک اصغر ۲۰۰۰ ریال
- ۱۳ - بانوشریه احدی قاسمی ۵۰۰۰ ریال
- ۱۴ - بانو امیر پرویز ۲۰۰۰ ریال
- ۱۵ - بانو کبری مدین وزیر - ۳۰۰۰ ریال

- ۱۶ - بانو رفیقه احدی ۱۰۰۰ ریال
- ۱۷ - بانوشریه دولت شاهی ۲۰۰۰ ریال
- ۱۸ - بانو نازان دولت شاهی - ۲۰۰۰ ریال

- ۱۹ - بانوشریه شهلا مدین وزیر (گورک بیچاره) ۲۰۰۰ ریال
- ۲۰ - بانوشریه کبیر ۲۰۰۰ ریال

جمع ۴۸۵۰ ریال
برای شرکت در این اقدام نوع پرورانه به پیشقدمی سرکار بانو کبری مدین وزیر انجام گرفته سرکار بانو مستر الملک اردلان هم در تهران مبلغ پانصد ریال ارسال داشته اند که بوسیله مبلغ فوق به انجمن روزنامه نگاران تسلیم گردد

حجب است ، ایشان آتقدر خود را علاقه مند به بیچار نشان میدهند که سخنانی را که بکلم جوانان دارند و مبارز بیچار که هزاران بار بیشتر از ایشان بشیر و دیار خود علاقه دارند نوشته میشود بوسیله تلگراف چند نفر معلوم الحال تکذیب میکنند . آنها کاسه گرمی از آش آنها بپور بپور لیستند در خانه با مقدمات از آقایان میر محترم کوهستان از آقای پور پور خواهش میکنند که اگر در صدد پاسخ به سخنان نویسنده گان با همتا بیچار هستند ، فلانیا منطبق و دلیل بنویسند تا بصورت مردم آوری نمایند و الا با جلوه دادن مخالفت خود به جناب آقای توأم السلطنه بوسیله تلگراف های که خوشبختانه در این دوره مسروم و معمول شده است نمی توانید برده بروی سخنان یکشبه زیرا نام ما چون از روی آتش روز سالیین حقوق مردم را معرفی و بر کله آن ها را نشانی مینمایند .

مشرکین و ناپسندگان روزنامه کوهستان اگر تا اول اسفند ماه بدهی های خود را ارسال فرموده باشند میتواند نام خود را در ستون «هشتر کین یا نمایندگان بلد حساب» در اولین شماره اسفند ماه آید ملاحظه فرمایند ۵-۳

توجه فرمائید
مشرکین و ناپسندگان روزنامه کوهستان اگر تا اول اسفند ماه بدهی های خود را ارسال فرموده باشند میتواند نام خود را در ستون «هشتر کین یا نمایندگان بلد حساب» در اولین شماره اسفند ماه آید ملاحظه فرمایند ۵-۳

حکومت
بمخ
که وزیر
جادی الثاني

بمخ
که وزیر
جادی الثاني

بخدمت آقای محمد مدوخی آیتاقت کردستان

کرد و کردستان

شماره اول

- ۷۸ -

روز ۲۸ ذی قعدة ملا عبدالرزاق شيخ الاسلام مراجعت نمود و رودوشنبه ۱۸ ذی حجه ملا باقر شيخ لا سلام فوفه کرد

حکومت شاهزاده جلال الدوله
پس از عزل سلاطین الدوله در ۷ ذی قعدة ۱۳۲۳ حکومت کردستان به شاهزاده عبدالحمین میرزای جلال الدوله سپر ظل السلطان واگذار گردید. روز چهار ختبه ۱۱ محرم ۱۳۲۴ وارد کردستان شد.

پیشکار او سهام نظام بود. این شاهزاده بقدری متشکر و خودرای بود که چونند نظر شاهزاده احمدی را از خود اذن جلوس نپسند.

ایمان و ملاکب برای اینکه اورا منقلب نمودند که با نظر احتیاج آنها را تلقی نماید نرخ نان و گندم را بالا برده اهلای پسر در آمدند و مشروع بنظم کردند.

شاهزاده فوراً ملاکین را استعار کرده اداره ارضان تشکیل داد و از همه انزوا گرفت که تا سرخرمن از قزو ماهی هزار خرماوند گندم تحویل اداره ارضان بدینته و در رسیدن دارالامان اجبار کنند.

ملاکین دیدند که از اموال ارضان هم نتوانسته اورا رام و محکوم کنند ناچار نیت هالی به او زده شروع به تبلیغات موافقانه و وسیع بنی و تبلیغ قلوب نمودند.

بالاخره روز جمعه ۲۳ ربیع الاولی هم روز رساء و برجسته گان نوم بر حسب میمادیکه درین بود در منزل مشیردیوان جمع شده در مسجد جامع به اهل جماعت ابلاغ نمودند که همو را در مسجد هاجر مخاتون جمع شوند و غسل حکومت را از دولت بخواهند. پس از آنکه عوم اهل شهر در هاجر خانون جمع شده تلگرافان بدولت عرض کردند که کردستان کوچک است و شایسته شاهزادگان نیست تنها داریم بکنند درستکار خوش صل را که شاهزاده ییاشد چکومت کردستان اعزام فرمایند و این نسبت را بجای دیگر بفرستند که استعفا انخلان اورا داشته باشند.

صبر دو هفته ۲۶ ربیع الاول تلگراف عزل مشارالیه و حکومت وزیر همایون رسید. و شب سه شنبه ۲۷ ربیع الاول شاهزاده اواخر شب از بی راهه خارج شده با شتاب همسار تهران گردید. وزیر همایون بایست حکومت را تلگرافا بپاج سردار مکرم و مشیردیوان بلا اشترک واگذار نمود.

حکومت میرزا مهدی خان وزیر همایون

میرزا مهدی خان قائم مقام کاهی که وزیر همایون لقب داشت روز هفتم جمادی الثانی وارد کردستان شد.

چهار روز پس از ورود حکم و شغلت و پیشکاری را به میرزا یوسف مشیر دیوان داد.

روز جمعه ۵ جمادی الثانی یعنی یکروز قبل از ورود وزیر همایون ملا عبدالرزاق شيخ الاسلام برای اسرار شيخ الاسلامی بیجا ب طهران حرکت کرده جسی را هم از جمله ملاعلی قلی سلطان الطاه و شيخ علی ثقة الطاه و غیره همراه خود بطهران برده بود در اوایل شبان بر سر اسپهال همی مبتلا شده در ۲۵ شبان بجوار رحمت حق می فتاد و منشا اورا در رمضان وارد شهر کردند.

در اوایل این ساز و باره و موسسه مشروطیت در تهران تجدید شده مردم برسینه اجتماعات و شب نامه ماهرع و کتبی ناگفتنی ها و تبیج عامه و درخواست مشروطیت کرده. هر چه شاهزاده بین الدوله عبدالحمید میرزا خواسته یا تعویق و تهدید وجس و تمیید مردم را ساکت کند و از احساسات اهالی جلوگیری نماید پس آن بآن رجعت اهالی انزوده منقلب را صریح تر و واضح تر اظهار میکردند و جدی تر و بی پروا تر تقاضای مشروطیت می نمودند.

یوقیده نماند ایرانیان همان اندازه که جسور و جری مستند همان اندازه هم محتاط و باوقند بین میباشند. ملت ایران نانتیکه گاهی بالاتر از دولت ایران گمان نمی بردند تقاضا اقدام باین جبارت نمی نمودند مسانطور دولت دولتیان نیز تا پشتیبان ذوی تری اندوده و معرک آن سراغ نمی داشتند تا این درجه با فشاری و خود داری نمی کردند.

اصطکاک این دو قوه باطنی سبب شد آتش آشوب و زود خود بین دولت و ملت درگیر شده و قتل و کشتار از همه خنال قدم برورته عمل گذاشت. آقایان سید میداد بیبانی و سید محمد طباطبائی و سایر علماء و بشواریان از آتیه این پیش آمد هراسیده راه نتاب را پیش گرفته و عوقتا در دم متوقف گردیدند.

اهالی تهران هم در مسافرت انگلیس سکه پناه گاه جامه بود متحصن گشته مسافرت بسا حسن بیان شاه را از سوه حرکات بین الدوله مستنصر داشت شاه بین الموده را مزول و میرزا نصرالله مشیرالوله را مدراعظم قرارداد.

شاه و صدراعظم جدید چاره کاره را دادن مشروطیت دانسته روز ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۲۴ هردستخط دیگری صادر شد که مجلس شورای ملی افتتاح و دولت ابراه مشروطه شود.

امالی تهران در اوامط شبان ۱۳۲۴ و کلاه خود را انتخاب نموده امر صادر شد که مجلس در صاوت

(تهنیت)

آقای مدین وزیر پیشکار دارائی کرمانشاه که از مامورین فعال و صاحب منصبان خدمتگزار وزارت دارائی میباشد شن خبر موتی که بناسبت بایان وقایع آذربایجان به جناب آقای نصرت وزیر نوشته اند ایشار ذیل را نیز سروده ارسال داشته اند که اکنون از نظر خوانندگان محترم بیکدیور ایم خدا یا شهنشاه را زنده دار خدای که بپادشاهای جهان همیشه که ایستک زمام تمام جوان فکر و دانا و روشن ضمیر نوازم آنکه بانگ سرورای روزین هزار آفرین باد بر انسران که اندر ره آذر آبادگان تین شد گرابرانی از جان خویش کنون کز وجود هه پهلوی بگویم یا بکنند و بکنان

خیر خواهی محض - خطاب به کردستان

آقای مدیر محترم روزنامه کوهستان متنی است که این مختصرا در نامه گرامی درج فرمائید: هم میبمان عزیز آگاه هستند از تاریخی که اینجاب برای کارهای مردم در وزارت شاهها از کردستان (سنجج) به تهران آمده ام تا کنون به وطن مالوف خود نیامده و ملت تقهان پسر رعیت به بازگشت نکرده ام و بیبسی جهت ضرر و زیان مادی زیادی بر ابرام روی داده است در بین حال عشق و محبت به میمن خود را همیشه فرور داشته و بیاتجارب و اطلاعاتی که در خدمت متجاوز از سی سال حاصل کرده و در کورای حوادث زمان و خدمات مهم قضائی کشور ایران بودم تقصیر داشته ام که لای الاتضا هم میبمان وزیر رام از راه غیر صلاح و صواب آگاه سازم بنابراین سلا که مقتضی موجود است و آزادی تضایبات دوره پارلوم مجلس شورای ملی از طرف دولت آگهی شده و شروع باینصام کرده اند تلگرافاً و برای احتراز از مسئولیت وجدالی نظر خود را باطلاع عموم میرسانم.

اما در قسمت انتصاب نایندگان کردستان (سنجج) و توابع و مضانات آن لازم است یاد آورم چون بر هر فردی از افراد کشور واجب است در انتصاب نایندگان صالح و امین و با تقوه که بجهت به اوضاع قلمی دنیا هم بوده باشد سعی کالی و مطالعه دقیق پسند آورد تا بعد از دوچار مشکلات غیر قابل جبران نماند نتود.

اینجاب باطنیان کامل مستقدم که آقای فرج الله آصف و آقای دکتر اسمیل اردلان السب و اصبح خواننده بود چه آنکه نامبرده اول در مدت چند دوره نایبندگی سابق مسلم داشته است که شخصی امین و مینب دوست دوسه رفتار و کرداری است - نامبرده دوم نیز که متولد سنجج و از هر چه واجد شرایط نایبندگی میباشد کاملاً صلاحیت این مقام را خواهد داشت زیرا علاوه بر تحصیلاتی که در دانش و خارج نموده است واقف به وضعیت امروزه و دلوی ملکات فاضله و امانت و درایت لازم هم خواهد بود البته این حساب برای هر متصدی امری از امور مربوطه به جامه ملت لازم است و فرط اول کار اوامت خصوصاً نایبندگی پارلمانی در شهرستان که بالاخره نایبندگی کشور محسوب میشود بطریق اولی ضرورت دارد که متصف به اوصاف مذکور بوده باشد تا بصیفاً بتواند وظیفه سیاسی و دپاتی خود را ایجاب دهد: توانا بود هر که دانا بودم امید است که انشاء هم میبمان عزیز این نظریه آرایش و بدون شایبه و غیر خواهانه مرا پسندیده و از راه راست منحرف نشوند

میر محمد علی مشیری (مشیرالاشراف)

کوهستان - از این حسن نیت که نسبت به مدیر روزنامه کوهستان فرموده اند بسیار گواریم. اگر چه بر ما در طی این مدت توانست است وظیفه خدمتگذاری را نسبت به هم میبمان ایجاب دهد نایبندگی سرپا نندی است و این صیغه که نوبه احساسات پاک آقایان نظام است خود بهترین پاداش خدمتگذاری میباشد.

بهارستان منتقد شود چون شاه در این هنگام مریض بود ولیعهد را از تبریز بطهران خواست ، نظامنامه اساسی که تمام شده بود در همدان ذی قعدة ۱۳۲۴ بصحه شاه رسیده و لیعهد و مشیرالدوله هم مبر کردند روز جمعه که ۱۸ ذی قعدة باشد شاه فوت کرد و کلاه و غسل مظفر سال تاریخ مشروطیت شد.

چهاردهم ذی حجه ۱۳۲۴ مسدهلی میرزا برتضت سلطنت جلوس نمود تاج گذاری کرد سپس تحریک ایرانیان شاه بنای خدیث با مشروطیت را گذاشته مشروطه طلبان هم در مقابل بر سه اینجین ها و اجتماعات انزوده و جدا افتاد گردیدند.

بالاخره مشیرالدوله استعفا نموده هاد میرزا علی امیرخان اتابک را از فرزندخواست که شاید یا تهمیر او بتواند اساس مشروطیت را بهم برود.

روز هوشنبه ۲۳ ذی قعدة ۱۳۲۴ هم وزیر همایون مزول و حکومت کردستان به نزالک واگذار گردید

وکیل ما

حضرت مدیر محترم جریده نریده کوهستان .
 پاهرضنتان و تشکر از درج سمرت سابق اینکه فصل دیگر را دو آن موضوع
 حسب الرعده بزبان کردی نظم و نظم نمودم . البته در نوبت سوم بصرات
 لجه و بیان تمسبل کنند و حقیقت جریبان راه و سرش اطلاع صوم آزاده بهرامان
 میگذارم .

شما خاطر عالی را آگاه می نمایم که خود بنده طالب و کاتب یا کاتب
 نسیم و بکناد به معنی هم نظر خاصی ندارم و این اظهارات و روی ایشان و عطیه
 اسه پاینگه باید انتقادات آزاد و ناپاینگه کان از اهل خاص لایق و ملید جمال
 منسلکت انتحاب هوند .

« م . ج »

له باش تقدیمی عرض احترامات
 له بسر توضیحی و منشی انتقادات
 به کوهستان له سر او وعده داروم
 حکم تقدیم او همراه ماوم
 تنه او تصدیق را دو بساره
 مسکرا تقدیم و درجی اظهاره

وکیل ما چاکه عباس بیت و هوشیار
 له و منشی داخل و خواجه شیردار
 له گل راست و چپا ابرانی بساک بی
 ملاک و منشی سره آو و خاک بی
 میرا اوله ننگر راست و چپ بی
 چپ و راستی بلاوه همدرد گویی

بله بی و فاروای تدوین قانون
 له و منشی آئی منشی کبیریون
 لواج گر چوه مجلس به دقت
 میان کسارای غوی منلی و منشی
 ملاح و سره کتور بسینی
 له ترسی گسر و ذیری لی برینی

له بر اصلاح و آبادی و عمران
 خلافت طوی به کتور و کتایمان
 له بسر تمسبل نرون بسا تمبل
 مسکامر حیب و عساری او نصل
 نکا هرگر هوای بارک و همارت
 بخ ولایتک دولت بو تیاروت

له گل ماوسی بکایومان فراراده
 و کور بیک ملت منشاو آزاده
 سیر امریکا و انگلیس و روسی
 به تهدید و به پاره و چابکوسی
 نسیری اولهن بوچنده فروشی
 منابع مان به بیگانه فروشی

عنا هر یک نسروک ایست و این
 اسیر و منسل رووت و گدا بین
 به تقوی و آبرو زهد و شجاعت
 بکسا حفظ حقوق ملک و ملت
 له دل در کاشیال جاه و نسرون
 بیانه سر دو سال دوران خدمت

به « عباسی » بوم در ده و تسان
 اگر سر بار له بسی نایته درومان
 له بوچنده سال له مسو پیش اوچی بو
 که کسار پارلمان آغی بیسی بسو
 کدشت او دوره فادر خون و نامیه
 وکیل بون ذمی تم و اتوه و تردید

ولی ام دوره زور دهواره مجلس
 یقین مردم هر و بیسکاره مجلس
 طرف زور دار ، سو کردن کلکتین
 له بو بیشتر منظور مست و سطن
 بی « عباسی » خسوی اوسباب دی به
 له کتت زور عدا منلی به بی به

له مسورا مسامره بسو ضیظ منقول
 له کرمانج چاک دسینی نون و بول
 وعت زور له بسر دسها ذلیله
 له لایسان اصیری وحی جریله

بم آتای محمد علی کوردی
 از عراق - کردی

مدارس کردستان عراق

وقتی میگویند یکی از ملل پیشین
 مانده سومریها و آکادها و غیره متفرش
 شده مقصود این نیست که خاک آنان
 زبیر زبرده باشد و یا ابر آتیشی از
 آسان آمده آسان را طمه عربین
 و آتش سوزی فرار داده باشد و یا طوفانی
 عظیم آنها را به دریا افکنده باشد و یا
 دهنی نیرومند هسکی آنها را کشتو
 نابود ساخته باشد بلکه تمدن تاریخ از
 اغراض ملت هاین است که در اسر
 محولاتی عادات و زبان و آیین و رسوم
 آنها از میان رفته عادات و رسوم
 دیگری تمت به نام دیگر جای آنها
 را گرفته باشد .

ملل مغلوب و منی که گرنارینجه
 نوی ملل غالب واقع می شود که کوشستان
 این است که عادات و رسوم آنها دست
 نموده باشد تا زبان و رسوم را که
 ایجاد آنها برایشان پیدا کرده اند
 آنها را برای اهلای خود بیکساره
 بطوریکه نسلهای بنه ایجاد خود را
 راموش نکرده و عادات را از دست
 ندهند .

هین اصل باعث شده که کردهای
 عراق که اقلیتی از اکثریت هستند
 باراز حکومت عراق درخواست کرده اند
 که به زبان کردی بفرمانده و بنویسند و
 زبان مادری آنها همان اهمیت زبان
 عرب راداشته باشد لیکن با وجود عده
 ها دولت عراق چندان رغبتی به نیوز و
 انجام وعده های خود در این موضوع
 نشان ندیده
 وزارت معارف عراق در هر آبادی که
 دارای نفوس بین ۱۵۰ تا ۲۵۰ نفر
 باشد یک مدرسه دایر کرده لیکن در
 میان سه ها آبادی بزرگتر که در کردستان
 عراق وجود دارد مدرسه ای بنا نهاده است
 وزارت معارف عراق در تهیه های
 بزرگ مدارس متوسطه عربی دار در صورتی
 که در تمام تسه های کردستان غیر
 از یک مدرسه متوسطه در گوی سنجین
 که آنهم بخرچ و همت خود اهالی
 افتتاح شده و پها معارف آترا دولت
 همه دارنده مدرسه دیگری وجود ندارد
 تا بحال چندین بار تقاضای تأسیس
 یک دارالمعلمین به جهت تربیه مسلمانی
 دولت عراق شده و این تقاضا است که
 منسل که به زبان کردی منم آموخته باشد
 و بتواند بهمان زبان برای مردمی که
 آن عادت را دارند درس بگوید

مدرسه یک معلم عرب و یک معلم کرد
 فرستاده معلم عرب چون نتوانست در
 آنها خدمت کند ناچار فرار کرده و خود
 را بجای دیگر منتقل نمود ولی معلم
 کرد مانده مدرسه منصرف شده به کلاس
 با یک معلم کرد .

شاگردانی را که دولت معارف از
 عراق بی به اروپا با امریکا برای
 تحصیل میفرستد اکثر از بین عرب ها
 انتحاب می شود باین جهت تمسبل کرده
 های خارجه دیده فقط منصرف به
 اشخاصی که سرمایه دارند و می توانند
 به خرج خود در خارج تحصیل نمایند .
 اگرچه دولت برای زبان کردی
 بوجوب ثانوی رسیتی شناخته و اجازه
 داده که در مکاتبات رسمی و مدارس
 زبان کردی استعمال شود ولی تا بحال
 برای تهیه یک کتاب لغت از عربی به
 کردی و یا ایجاد امچین برای بسط
 زبان کرده اندامی منقول نگردیده است
 ما در حل مشکلات را می بینیم
 و از این جهت که صلاح دولت را در
 این میدانیم که بیشتر توجه خود و
 یک سوم خاک خود را با ساکتین ناراضی
 و ناامیدی نگاه ندارد بلکه خوب صلاح
 این است که کلا متوجه بوده در قسمت
 تسلیم و تربیت ساکتین مناطق کردین
 وسایل گائی فراهم نماید و از حقوق
 بشری این سرودمان را بر خود دار
 سازد .

ولی بیک مالکیکی منید کسی
 به تشریفات لادوسی دیات بی
 له حق گور لادم او بی خطایه
 له سرپا هیچ بیوا ادها به
 کسی او نگرسیه هینا به بیو بین
 له و لاره دی بی بی له او کین

از بیچار
 حزب دم
 سرپرستی آتای
 کرده است
 از اداره

۱ - و من
 گذشته بطور
 ۲ - تمه
 دورا برده
 ۳ - در
 کردستان اعتبار
 انراش با تان و
 بی بضاعت از ح
 موزری شده
 ۴ - ام
 با استفاده از
 اطراف سقا
 ۵ - کلا
 نرها کرد دار
 میباشند

۶ - ام
 به فرهنگ معارف
 کوهستان
 معرهم فرهنگ
 در تشویق مردم
 مخصوصا در تبلی
 فراوان میبول
 یک جاسه فرهنگ
 مانده و خراب
 جیره کرد و ذوال
 دارایی فرهنگ
 بر تمام مشکا
 نسلهای بندار
 تنها وظیفه او
 هوس فرهنگ
 و جدا ناموتف
 شایند .

از گامیاران
 در روزها
 آتای اردلان
 برافه پارسی
 حوزه گامیاران
 راه باز بدیده
 آموذات و
 سالندان پردا
 آتای وزیر
 رعایت از مسل
 دستورات م
 آساره شایسته
 سعادت صادر
 اقدامات
 وقین فرهنگ
 این تراخی در
 است .

دو زنانه
 ایسه که
 ر
 پارسی
 دو زنانه
 بیترن

از ییغار حزب دمکرات ایران در گروس به سرپرستی آقای هیدان سلطان مراد تشکیل کرده است.

از اداره فرهنگ سقز اطلاع میدهند

۱ - وضع مدارس نسبت به سال گذشته بطور محسوس بهبود یافته ۲ - تعداد دانش آموزان تقریباً دو برابر شده

۳ - دراز توسعه رئیس فرهنگ گردستان اعتبار و بودجه فرهنگ سقز افزایش یافته نسبت به دانش آموزان بی بضاعت از حیث نوشت افزار کتبه های موزنی شده

۴ - اسامی هفت باب دبستان جدید با استفاده از همان بودجه سابق در دهان اطراف سقز افتتاح یافته است

۵ - کلاس سالندان در حدود ۶ نفر شاگرد دارد که شبانه متحول تحصیل میباشد

۶ - اسامی در مردم علاقه بیشتری به فرهنگ مقامه میشود

کوهستان سه امده و اویم اولیای معتمد فرهنگ با جدیت شتگی ناپذیری در تشوین مردم به فرهنگ کوشا بوده و معسواد تعلیم و تربیت چه ها کوشش فراوان میدول دارند زیرا اساس پیشرفت یک جامعه فرهنگ آن است اگر فرهنگ عقب مانده و خراب باشد آن جاسه محکوم به بره کردی و زوال است و اگر جامعه ای دارای فرهنگی مرتب باشد می توان بر نیام مشکلات فائق آمده سادت نسل های پندرانامین نماید بنابراین نه تنها وظیفه اولیای فرهنگ کوشش در وسط فرهنگ است بلکه عموم طبقات و جهاد ناموشته در این راه همکاری صمیمانه نمایند

از گامیاران

در روزهای ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ آتای اردلان رئیس محترم فرهنگ گردستان براه بازرسی و رسیدگی با امور فرهنگی حوزه گامیاران تشریف فرماده روزی را به بازدید بستان که دارای ۴۸ دانش آموز است و هم را به سرگشی گلاس سالندان برداشته

آتای ویس فرهنگ ضمن اظهار رعایت از عملیات مدیر و آموزگاران دستورات موکدی راجع به دبستان های آساره شامینی و تاسیس دبستان لوسن جاهات صادر نمودند

اندامان شتگی ناپذیر آتسای ویس فرهنگ در پیشرفت امور فرهنگی این نواحی در غور امتنان و ستایش است

برای توجه وزارت فرهنگ نامه آموزگاران بیعانی فرهنگ گردستان

مقام جناب افرآقای توأم السلطنه نصحت وزیر محبوب مسترما مروض می دارم تا امیدوی وباس محاط دوره جهانی بر آن واداران کرده که برای روشنگاری از وضع پر آشوب زندگی و نجات از دست فشارهای هدیده هزینه کوشش روزمره زمانی به آن جناب متوسل شده و دادخواهی نمایم

بطوریکه استحضار دارید همه ای از آموزگاران بیعانی دارای حقوقی قابل میباشد حتی اگر این طبقه تحصیل کرده را با خدمتگذاران جزء مقایسه فرمایند از این حیث کوچکترین تفاوتی ندارد ای بسا ممکن است که خدمتگذاران جزء حقوقشان با لباس و سایر مزایا بیشتر از این همه مطلق باشد شنا اشتهای نیشاید دولت وقت اولعاط دلوری و تشریح بکارمندان اخبار لایحه گذرانده که کارمندان بیعانی کشور به رسی بمیدل هوید بستاند ز این لایحه نیز کارمندی را که بد اوسال ۱۳۲۱ داخل خدمت دولت کرده اند از استفاده این قانون محروم داشته بنامیروضه مشروطه فونق استدعا دارم مصلحت توجهی میدول فرموده بطریق اتناذ فرمایند حقوق این عده کارمندان بیعانی را بنحوی ترمیم فرمایند که اظلا ایجاب تفاوتی در مورد حقوق خدمتگذاران بیعانی کفوی با خدمتگذاران جزء حاصل گردد

آموزگاران بیعانی اداره فرهنگ گردستان

کوهستان - البته باید تصدیق نمود که وضع آموزگاران بیعانی گردستان و صایبت پیش نیست ایان که با بدروزی چند ساعت وقت خود را صرف تعلیم و تربیت اطفال نابینا و اغلب در نواحی دور دست و دهات مرزی مشغول خدمت هستند باید بیشتر مورد توجه وزارت فرهنگ بوده و از نظر مادی وضع آنها بطوری باشد که لشکران حاضر برای کار و خدمت باشد

بنابراین از وزارت فرهنگ انتظار داریم به تقاضای فونق که ظما از فرط استیصال کارمندان بیعانی مروض شده توجه خاصی میدول فرمایند

آزسطلنج

آقای اسه صالح زاده ننگرانسا اطلاع میدهم که در شماره ۷۷ کوهستان اهتیاها نام ایشان جزو هیئت نمایندگان گردستانیان ذکر شده زیرا ایشان چند سال است از تجارت دست کشیده و فلا هم در گردستان هستند نه تهران

دنیا و ایران

بقیه از صفحه ۲

حزب کثناوردان و پیشوای مخالفین دولت لیستان مسئله انتخابات لیستان بگسورت جدی و جهانی داد انتخابات لیستان که طبق قرارداد با تلمبیستی در محیط امن و آزادی انجام گیره مورد اعتراض دولت امریکا قرار گرفته مور اوسکی نصحت وزیر لیستان اظهار داشته است که دست های دمکرات لیستان بیش از ۶۹ درصد از اکثریت و ایست آورده اند و خود خورد های هدیدی در نقاط مختلف بین بیروهای دولتی و انتصاب کنندگان روی داده است، انتخابات لیستان گذشته از جنبه های داخلی خود را لعاظ جهانی اهمیت بمسوسمی دارد دولت لیستان در پاسخ دولت امریکا نامه نگاشته و در طی آن بدولت مور بورا مطینان داده است که انتخابات لیستان کاملا مطابق قانون اساسی آن کشور و همچنین طبق موافقت نامه پندام انجام میگیره و دیگر لازم نیست بین این دو دولت در این خصوص تمکاتیه رود

موقبت جهانی لیستان، و سیاست های موزنی که در کشور مور بورا منافع دارند و انتظاراتی که از نتیجه این انتخابات دارند وضع صمیمی در لیستان بوجود آورده اند، بدعاوشاید بزودی می توان تمیید که این انتخابات چه عکس العمل جهانی خواهد داشت

نظر کلی بر ویدانهای جهان

ناظرین امور سیاسی هوروی بنظور تهیه گزارشی راجع بوضع لفظین بآن کشور مسافرت خواهند نمود میگویند دولت شوروی مستدامت که سهای فلسطین باید بهر بلاذی به سازمان ملل متفق رجوع شود، چناک هنوز در آن دوری ادامه دارد و نمایندگان برمه دو لکن و بنالیبه سیاسی مشغول هستند و نتیجه این نماینها بزودی ظاهر خواهد شد چرچیل اجنبی بنام اروپای متحد تشکیل داده است

پادشاهان و روسای جمهوری های عربی در پایتخت عربی سعودی بیکدیگر را ملاقات خواهند نمود - امیر عیداد از مسافرت بشر که مر اجت نموده نایبند برزیل در هواری امنیت نو، کرد و وزیر امور خارجه ایغالیا استعفا نمود

آبروی امضای خون را نبرید

از همان هنگامی که اولین شماره روزنامه کوهستان منتشر شد در تلگرافاتی که از نواحی مختلف میرسد ما باین موضوع بی بردهیم که اغلب مردم بدون توجه مطالبی را امضا نمیشانند که برخلاف عقیده خودشان است خوب بشاطر داریم در یک موضوع تلگرافی مشاهده بود که برخلاف واقع از شخصی تشریف کرده بودند و یکی از امضا کنندگان شنن مراسم ای بی نوشته بود که امضای که در ذیل فلان تلگراف کرده ام بخواهش چند نفر بوده خواهش دارم بآن ترتیب اثر نصیحت زیرا برخلاف واقع است یک نوبه دیگر جارت از تلگرافه حالی است که می آورند و مردم را مجبور بامضای آن میکنند البته وقتی چنین تلگرافی برسد بر صوابت احترام امضا کنندگان، چاپ میکنیم ولی چون خواننده را مطلع بر اوضاع باشد آن تلگراف را بطور انفرادی نتوجه میشود که ابجاری است

نظیر این تلگرافها را هم زیاد چاپ کرده ایم

شنن این مدت بارها این موضوع را یاد آوری نمودیم که بی حجت او کسی تشریف نکنید و آپسروی خط و امضای خود را بریده هر چه را بر سر آن عقیده دارید امضا کنید ولی این روزها که بازار تلگراف رواج دارد و عده ای از هر جا بی خبر گمان میکنند همین که تلگرافی با امضای چند نفر رسیده فوراً چون آپهای آسانی مورد قبول واقع خواهد افتاد

لازم می دایم مجدداً یاد آوری کنیم که دقت نماید آلت دست دیگران نشود و مطالبی را که برخلاف واقع و برخلاف عقیده هاست بخواهش یا با بجا بر امضا نکنید

البته آن کسی که در مقابل چنین امضاها بولی دریانت میدارد از این یاد آوری برکنار است زیرا متعینه و حیثیت خود را فروخته و چیزی برایش باقی نمانده که برای نگاهداری آن مراقبتی لازم داشته باشد ولی کسانی که دارای حیثیت هستند باید در نگاه داری حیثیت و آبروی خود قدری دقت نمایند

اسرار بارفران

که بصورت پاورقی در این دورنامه انتشار یافته تا دو هفته دیگر بیکل کتابی در دسترس علافندان قرار خواهد گرفت

بهاء هر جلد ۲۰ ریال میباشد برای خارجه هزینه پستی هم بآن اضافه میشود

اگر میخواهید پروژنامه کوهستان کمک کنید ۱ - وجه اشتراک خود را برستید ۲ - در معرفی مشترکین جدید و تقوین مردم با اشتراک جدید فرمایید ۳ - آگهی های خود را برای درج در کوهستان ارسال فرمایید ۴ - ایراد عالی و آکه راجع به ندرجات آن دارید برای ما بنویسید

آگاداری

باورایی کراره کانی ایبه له عراق دانا کو ایستا - باورایی روزنامه بان بومان نه ناردود بدل اشراکی مدی کیش له مشترکینی ایبه که پشتوو روزنامه و خشی ده تروانی به انتشاری خوی ادامه بد آکه باورایی میوامان وایه که خوینده وار خورقه ویستکان باخشی تطبیلی روزنامه کوهستان لب و به زودی مطالبای تبیکان که عده به بومان بشیرن ۳ - ۳

کوهستان

باهالی محترم گروس

پایه از صفحه ۱

من منظور عالی تر و مغفول تر از آن بودم که برای ارضای خاطر من یا سه عنصری صلاحیت دست از مبارزه بردارم مبارزه من مبارزه اصولی و عدل است بوده و هست من در سایه اتکا به فکر مغفولی که بدور محور استقلال و تابیت و آزادی ایران گروم می کند می گفتم و می گویم که اگر برادران عزیز من امروز دنیا در یک راه مستقیم و بدون انحرافی رو به جلو رفته و خود را از و گدود و سکون بری و آزادی کند می گفتم و می گویم که باید در این روزگار آهوب که گشتی استقلال و سادت ملل را فرورد و اراده افراد و اتحاد کشورها حراست می کندها هم از خود هر دو اراده آهتین و مستحکم نشان دهد

می گفتم و می گویم که باید در سایه اتحاد و عطسه ایران به پیشرفت و خرابی هارا آیه گردونرندان خود را از کزنده و آسیب حادثات خود و امان نگه داشت می گفتم و می گویم که اتکالی به اجنبی برستان موجب اهدام و انحلال اساس موجودیت و استقلال ما خواهد کرد

برادران عزیز ۰۰ در بسیاری از موارد که وقت و فرصتی دست داده با شما از این مقال و بحث هادر بیان نیامد و آرمان و عقاید خود را در پیشگاه انکار بلته مرتبه و محکم شما عرضه داشتیم و شما بقتضای که در پشت پرده های بی خبری بود اوقات ساختن ولی عزیزان و برادران بزرگوار دستان ما، دستانای که در نسام ختون زندگی ما همچون هیچ مرک پرده نلود و تصرف گسترانده اند در لغزشه کلمات خائنه و ناجورانه شده بر روی هر این دلوزانه من نقش وارون کشیده و دستان شما برای اینکه درین ساختن فکر اظهار وجود بانی نماند یار ما نیبا را به هیچ واهی شرده و فله داد کرده و شما را مستحق و سزاوار برای ادامه همان زندگی نامیدند و با شما از راه مکر و تزویر راه آمده اند.

دستان هادر دفاعی که من بکه و تنها مبارزه بر خاسته بودم بر علیه من به فعالیت های مذبوسی دست زده ولی من به انگای پشتیبانی شما مردان اصل و با فراغت و جوانان حساس وطن بر سه هالقم خود را وقف خدمت به شما کردم و از دشمن نبراهیم و از افواز بهره افریب نمودم

برای حفظ حرانت و آسودگی وجدان خویش به پیامها و نامه های آنان قریب اتزی لادم و وعده و وعده های آنان را پس و نا چیز شردم و آنان را کوچکتر از آن دانستم که به من سر کرد تحصیل کرده تهمت و افترای جیره

خواری بدعت
برادران عزیز - من در این مبارزه بودم و باطل ظلمت حق و باطل خدا را شاهد و ناظر فرار می دهم که با تمام وسع و قدرت آشنای و تاس با این و آن از راه اول غره منحرف ندم و از هیچ فکر باطلی کسب اثر نگردم و از هیچ باور در خاطر چیزی متفوق ساختن

برادران عزیز - من با تکرار و تاکید مطالب سابق بار دیگر بنشا عرض می دارم که روزهای دقیق و حساسی از تاریخ مبر ایران می گذرد و روزهای که اثرات آن بر حفظ موجودیت استقلال ما کک نمایان و وافر خواهد بود ...

این روزها راما می توانیم با حفظ غوسردی و متانت و صیانت اساس مناعت و قدرت طبع به نحو مطلوبی به مرحله پیروزی خود متنبی کنیم، حتی در این دوره انتصاب مجلس شورای ملی که عارف و عامی واقف به حسن و لیکوتی اثر آن در جریان حیات و مسان ما میباید چشم خود را باز کرده در انتخاب کسانی قدم برداریم که در پیشگاه خداوند و هیئت اجتناع و برادران دینی و مذهبی خویش روسیله و هاداب باشیم.

این وظیفه ملی و اجتناعی و در مرتبه اول اصول و فروع زندگی ما دارای اثر و خاصیت است که تشریح بکلیه آنها در پیشوند شین و بسود امکان ندارد و علاوه هم تصدیق خاطر برادران عزیز و الا اولی نباشد.

اهالی محترم گروس - شاخودتان بعد از بیش از هشتاد شیر گروسی هد بگروا میباشید، شما سردان با مجلسی را که قادر به حفظ حیات شاه و مجلس شورای عمومی و ملی باشند در میان خود دارید

شما نباید اجازه بدهید که بنا بودن مردانی مثل آقای حسین سجید زاده و آقای امام جمعه و آقای کالی السلطنه امیرانی و یا آقایان محترم دیگری که گروسی هستند آقای غلامحسین پوربورو و کیژل شایه و آقای پوربورو اساسا صلاحیت ندارد که وکیل مجلس شود و اگر می خواهید به حدود صلاحیت اجتناعی او بی برید بروند اداری او را مطالعه کنید و سابقه خدمت او را در شرکت نفت انگلیس بخوانید و شماره ۷۰ کوهستان را که من مقاله خطاب بشا اهالی محترم گروس نوشته ام مرور فرمایید تا معلوم شود که این آقای رئیس لست اساسا بی هیچ وجه و مقدار ناچیزی هم صلاحیت و شایستگی برای انتصاب شدن ندارد و نباید انتصاب بشود بعلم اینکه اولاً سواد اجتناعی ندارد و تحصیل علوم سیاسی و اجتناعی نگردیده و علاوه سابقه اداری او سرعوض به یک حرکت نفه خارجی است که یک

آبویان یکساله داغته - ۲۰۰ ریال
تکفرو حی داغته - ۴ ریال
جای اداره خیابان فردوسی دوبروی بانک ملی تلفن ۶۶۵۷

لشکر گردستان تکذیب می نماید
آقای دکتر اسمیل آردلان مدیر روزنامه کوهستان

اهالی مریوان طی لشکر افر سورخه ۲۵۱۰۰ شرح مندرجه در روزنامه شماره ۷۳ کوهستان را تحت عنوان «تلافی مریوان» تکذیب نمود و مندرجات مزبور را خلاف واقع اعلام نموده اند متنی است مراتب را در آن روزنامه تکذیب فرمایید

رئیس ستاد لشکر - سرهنگ ستاد فرزند مری کوهستان - آکر چه شماره گذشته از طرف ستاد ارتش تکذیب شده بود و نامه وارده ستاد مینا چاپ گردیده بود و چاپ نامه وارده ستاد لشکر گردستان که موبد نامه ستاد ارتش است زاید بنظر می رسد ولی برای اینکه سوء تعبیری نفوذین نامه رسیده در بالا چاپ شد شنا علاوه میباید که گزارش ناپته نی کوهستان در مریوان حاکی از این است که صلوات السران و افراد گردان منتقل شده بر مریوان رضایت بخش میباید ولی نامی از فرمانده یادگان در گزارش واسله ذکر نشده است.

ماحسانطور که به کرات ثابت نموده ایم نظری جز تا بن آسایش عمومی نداریم و اگر مقالات وارده مردم را که حاکی از شکایات و نا رضایتی هائی باشد چاپ می کنیم لفظ بنظور متوجه نمودن اولیای مسئول به اظهارات مردم میباشند

اداره روسی ملکیت، پلاوا و اهل گروس بیست و شش هم تمسخر کرده اند که غیر گروسی و اوکیل نکند.

اهالی محترم گروس، - همانطوری که در طول مسافرت در ولایت گروس به مرض شما و سایر هم و بارها این در مقالات مندمه نگاهتیم باید حدود تصاعد و ترفی سطح فکری شما در اثر انتخاب یک نماینده خایسته سعی به سایر مردم خاا ایران معرفی شود و این دردمسخر خود شاست که باغودرا خوب باید معرفی کنید.

مردم اگر دوست دارید که اطفال شایع سواد بی بهره از علم و هنر نشوند، اگر پول دارید برادران شما را بسط سواد و فرهنگ آسوده گردند، اگر میل دارید که شهر شما از این براری و خرابی نجات یابد.

اگر مایل هستید که نام شما به پستی و پاکی بر جای بماند و اگر میخواهید اساس نام تاریخی شما لکه هار و پایشال نشود.

اگر میل دارید که ایران عزیز از وجود مردان باههامت و وطن پرست و ملی استفاده کند اولاً وکیل معنی را از خودتان انتخاب کنید و تا پارسی نفت همدان را جواب دهید که شما اهل اینکار نیستید.

مردم ... به حرکت نه انگلیس تکرار کنید که این نماینده معجزوار شما دارد با حیات سیاسی و اجتناعی ما فرزندان ما بازی میکند. مردم در جرایم و جلات مغفولیت و بی لوائی خود را به مردم ایران بچسباید.

از مستندج
مقام متبحر جناب اشراف آقای نصرت وزیر اعدت نایبانه از اعدامات برومندان جناب اشراف در دفع اشرار و متجاسرین بی دیانت آذربایجان و برقرار نمودن رفاهیت ملت تبریکات و تشکرات مسیانه را تقدیم می داریم و سلاطی و موفیت آن ذات مقدسه را از قاهر و متعال و برکت ابداه اظهار متنی و خوستاریم. شکر خدا در این یکساله بمران کوهستان چه شایع و چه غیره نم می برخلاف وظیفه برداشت و صانع و غیر خواهی نظیران دولت آنها اثر بی نظیره کرد و سفید و رنگه خدا و اولیای دولت هستم همه بندگایم خسرو پرست، سید جلال الدین نقشبندی - حاج سید بهالدین نقشبندی

گزارش نمایندگان مریوان
از بیستم مهر ماه که گردان جدید مریوان منتقل شده در مریوان آبادی از طرف السران و افراد جدیدت مخصوصی بسیل آمده و صیانه و نظارت میباشند انسران گردان منتقل شده مریوان باهکاهی ساخته که هزینه آنرا بین خود تقسیم نمودند یک رادیو باطری داریم که برای باشگاه خریداری نموده اند در این محل دور انشاده مورد استفاده عمومی میباشند

تفرات و رسیدارالی برای تحویل گرفتن صیبه جای و شکر به ستیج صافرت نمای

نایبندگی مریوان - ۱۱۱ - ۱۳۱۰

یک قدم دیگر راجع به
بهداری گردستان

در تقییب انسانی که راجع به بهداری گردستان شده بدین وسیله با اطلاع علاقه مندان می رساند که انانچه از ما پیشگاه بهداری گردستان از طرف وزارت بهداری تهیه و آماده ارسال به ستیج می باشد و می کنتفر منتمس برای آزمایشگاه هم در نظر گرفته شده در آینه نزدیک به ستیج اعزام خواهد کرد

مردم کسانی را که پول از پوربورو گرفته و امروز طرفدار او شده اند از خود دور کنید.

مردم آبهانی را که بر علیه لوسو های وانی شما فعالیت میکنند زبون و حقیر سازید خداوند بشنا کک خواهد کرد و روح اینان و امید شما را موبد و برقرار خواهد نمود و شما را برادر است هدایت خواهد کرد.

من یکبار دیگر از محترمین و مردان با فراغت و وطن پرست گروس چه آنها که تا بحال بر علیه پوربورو فعالیت کرده و چه آنها که نکرده اند خواهش می کنم که قطع اجتناع را بر لغت خود ترجیح دهان و مردانه در انتخاب نمایند معنی باهم کک کنند در اتحاد و اتفاق بیسر مقصودی نتوان رسیده و شما هم بداید که باقی مع الجماعه است در رهبری و نجات جنات بهم بسته با خداست.

سایت
صاحب
دکتر

روزهای

گدا

برای
گردستان
شاه
خوهران
و حادثه ای
پابخت
اس

نقان
برای
برود
می
مردمان
سیار
استوار
ولی
کویک
متافته
تاریخ

از چند
بیشتر
سرچشمه
تمام
آن

با
بنا
در
وجود
تنوع
آن
چای
از
وا

وقتی
هو
مصلحین
آن
کنند
آماده
کوهستان
ماده
به
بدست
جوانان
می
مستلزم
زیاد
انجام
و روشنگر
هم
قدم
گردستان